

اشاره

«ضیاء الدین نخشبی»، شاعر و نویسنده ایرانی، در سال ۷۵۱ هجری قمری دیده به جهان گشود. وی مقیم هند و در دستگاه سلاطین خلجی بود. بعضی از کتاب‌های هندی را به فارسی ترجمه کرد که معروف‌ترین آن‌ها «طوطی‌نامه» نام دارد. برخی آثار دیگرش عبارت‌اند از: سلک‌السلوک، نصایح، عشره مبشره، کلیات. دو متن زیر، گزیده‌ای است از کتاب «سلک‌السلوک» وی.^۱

گزیده‌هایی از «سلک‌السلوک» نخشبی

انتخاب: ناصر نادری

خاک کوی محبوب

عاشقی را دیدند

معلوم عالمیان و مفهوم آدمیان است که آدمی در این سرای دو در، به منزلهٔ مسافر است. اما مسافری که راه سلوک گذاشته، در چپ و راست می‌رود. ای برادر! در منزل دنیا فرود آمده‌ای و این منزل را خانهٔ خود تصور کرده‌ای. مسافر، اگر همه در اثنای راه خانه کند، به کعبهٔ مراد کی رسد؟ ای رونده، رونده به هر منزلی که فرود آید باید که چندان بگرید که خاک آن منزل را گل کند. اگر گویند: این چه می‌کنی؟ گوید: خاک این منزل را از غبار قدم آلودهٔ خود می‌شویم. عاشقی را دیدند که در کوی معشوق، آب از دیده گشوده بود و زارزار می‌گریست.

گفتند: این چیست؟ گفت خاک کوی محبوب را از مشک اشک نمی‌می‌زنم تا میان من و او روزی غباری نخیزد!

عزیز من! در این راه که قدم در او نهاده‌ای هیچ غباری تیره‌تر از تن خاکی تو نیست.



بنده من آن است که گناه نکند

ای حاجی کعبه قبول! وقتی اعرابی دست در زنجیر کعبه زده، بدین عبارت مناجات می‌کرد: خداوندا، تو جز من بسی یابی که ایشان را عذاب کنی، اما من جز تو کسی نیابم که بر من رحمت کند. فردا عامی را بیارند. چون نامه خود باز کند، هیچ معصیت نبیند. گوید: خداوندا، معاصی من چه شد؟ فرمان آید: من از سر آن گذشتم، تو هم از یاد آن بگذر. بنده من آن است که گناه نکند. اما مؤمن بنده من آن است که چون گناه کند، زود به در من بازگردد تا جفوة و هفوة به هم جمع نشوند.

یکی را گفتند: عالم‌ترین خلق کیست؟ گفت: عاصی ترسناک. گفتند: جاهل‌ترین خلق کیست؟ گفت: مطیع بی‌باک. آری، نتیجه بی‌باکی همه عداوت است و ثمره ترسناکی همه محبت. و نزدیک جوهریان جواهر حقیقت، در حقه دو کون، گوهری گران‌بهارتر از محبت نیست.

بشنو بشنو! در عالم محبت، چون محمود ایاز شد و ایاز محمود گشت، کرات محمود گفتی: ای ایاز، محبت مستقیم، مسئله ما معکوس کرد.

آن گذشت که ما خواجه بودیم و تو غلام؛ بعد از این ما غلامیم و تو خواجه!

آری، هر که را خلعت دوستی پوشانیدند، سر همه توانگران اوست. گرچه از مال جبه‌ای ندارد و هر که را رقم عداوت بر ناحیه کشیدند، سر همه گدایان اوست اگرچه خزاین همه عالم او راست. موسی (ع) گفتی: ای فرعون، تو را با این همه مُلک، زهره آن نیست که در این حضرت دم سؤال زنی و من با این همه درویش فریاد کنم: «أرئی أنظر الیک».



پی‌نوشت

۱. سلك السلوك، تألیف ضیاء‌الدین نخشی، با مقدمه، تصحیح، تعلیق و تحشیه دکتر غلامعلی آریا، کتاب‌فروشی زوار، ۱۳۶۹، تهران.